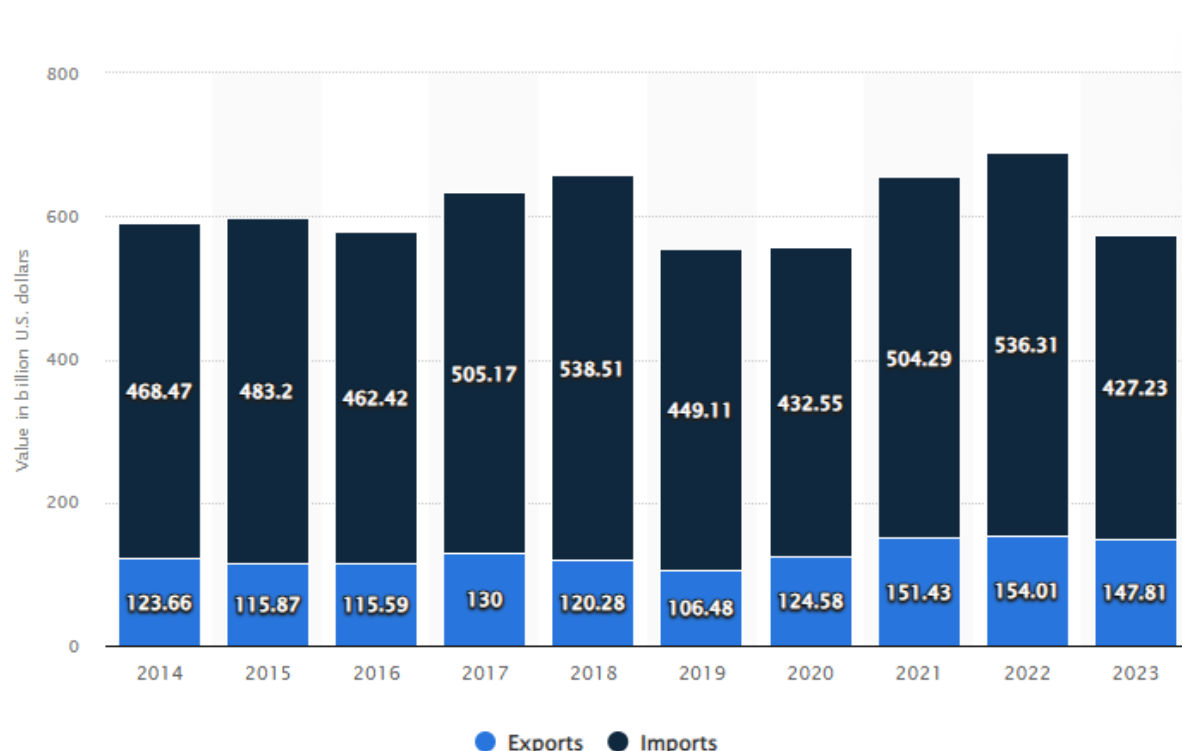


جنگ تعرفه‌ها: تحلیل روابط اقتصادی چین و ایالات متحده در عصر رقابت جهانی

در دنیای امروز، روابط اقتصادی بین کشورهای بزرگ دنیا از اهمیت بسیاری برخوردار است، چرا که تصمیمات اقتصادی و تجاری هر یک از این کشورها می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای در سطح جهانی به دنبال داشته باشد. یکی از این روابط مهم، رابطه اقتصادی بین چین و ایالات متحده آمریکا است. این دو کشور که به ترتیب بزرگ‌ترین اقتصادهای دنیا و دومین اقتصاد بزرگ جهان به شمار می‌آیند، از زمان آغاز قرن بیست و یکم تا کنون همواره روابط پیچیده‌ای در زمینه‌های مختلف اقتصادی، تجاری و سیاسی با یکدیگر داشته‌اند.

نمودار زیر ارزش کل تجارت کالاهای ایالات متحده (صادرات و واردات) با چین از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ را نشان می‌دهد:



Pamchal

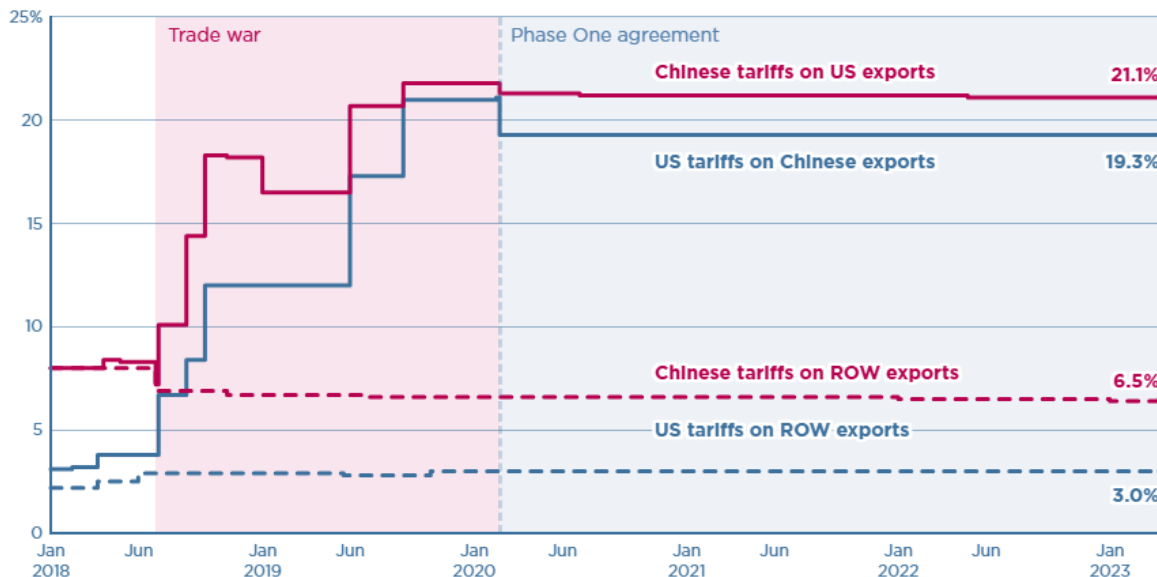
از زمانی که دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۷ به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا انتخاب شد، سیاست‌های تجاری و اقتصادی آمریکا نسبت به چین به شدت تغییر کرد. وی با اعمال تعرفه‌های سنگین بر کالاهای چینی و همچنین اعمال محدودیت‌های گسترده بر فناوری‌های پیشرفته، تلاش کرد تا نفوذ اقتصادی چین را در بازارهای جهانی محدود کند و به نوعی تجارت با چین را به نفع آمریکا بازسازی کند. این سیاست‌ها نه تنها باعث تشدید جنگ تجاری میان دو کشور شد، بلکه به تغییرات قابل توجهی در زنجیره‌های تأمین جهانی و بازارهای بین‌المللی نیز انجامید.

یکی از مهم‌ترین ابعاد این جنگ تجاری، اعمال تعرفه‌های بالا بر کالاهای مختلف، از جمله فولاد، بر صادرات چین به ایالات متحده بود. این تصمیمات که به وضوح بر صادرات و رشد اقتصادی چین تأثیر گذاشت، همچنین پیامدهای زیادی در سطح جهانی به همراه داشت. تعرفه‌ها و محدودیت‌ها بر کالاهای چینی باعث شد که بسیاری از تولیدکنندگان و واردکنندگان آمریکایی با مشکلات جدیدی در تأمین کالاها و مواد اولیه خود روبرو شوند و در عین حال، مصرف‌کنندگان آمریکایی نیز مجبور شدند برای خرید کالاهای چینی، هزینه‌های بیشتری پرداخت کنند.

نمودار زیر تعرفه‌های جنگ تجاری آمریکا و چین را تا سال ۲۰۲۳ نشان می‌دهد:

US-China trade war tariffs: An up-to-date chart

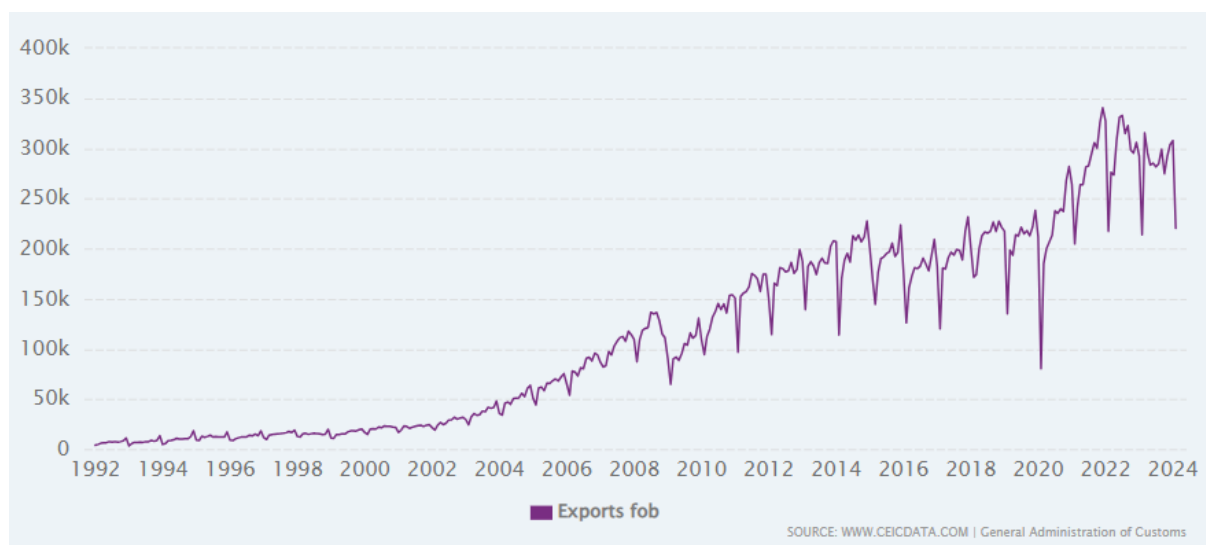
a. US-China tariff rates toward each other and rest of world (ROW)



Pamchal

اما تأثیرات این سیاست‌ها تنها به آمریکا محدود نمی‌شود. چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان کالا در جهان، واکنش‌های مختلفی به این سیاست‌ها نشان داد. در پاسخ به تحریم‌ها و تعرفه‌های آمریکا، چین علاوه بر افزایش تولیدات داخلی و حمایت از صنایع خود به گسترش روابط تجاری با کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای در حال توسعه و کشورهای آسیایی پرداخت. این استراتژی‌ها به چین کمک کردند تا از فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ تجاری با آمریکا تا حدودی بکاهد و موقعیت خود را در بازارهای جهانی حفظ کند.

کل صادرات چین از ژانویه ۱۹۹۲ تا اکتبر ۲۰۲۴ را در نمودار زیر مشاهده می‌کنید:



این نمودار نشان می‌دهد که رشد صادرات چین وابسته به عوامل جهانی؛ مانند سیاست‌های تجاری بین‌المللی و شرایط اقتصادی جهانی است. اقدامات دولت‌ها در تعیین تعرفه‌ها و قوانین تجاری تأثیر مستقیمی بر اقتصاد صادراتی چین دارد. همچنین، چین با اجرای استراتژی‌های انعطاف‌پذیر توانسته در برخی دوره‌ها موقعیت خود را در بازارهای جهانی حفظ کند.

چند نکته قابل توجه در این نمودار مشاهده می‌شود:

۱. روند رشد کلی صادرات: از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ صادرات چین رشد مداومی داشته و به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۱ (ورود چین به سازمان تجارت جهانی) این رشد شتاب بیشتری گرفته است. در دوران ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش (۲۰۰۹-۲۰۰۱)، تمرکز اصلی سیاست‌های اقتصادی ایالات متحده بر توسعه فناوری‌های پیشرفته (های تکنولوژی) و صنایع پیشرفته بود. این سیاست‌ها بر این مبنا استوار بود که آمریکا نباید به طور مستقیم در صنایع سبک و تولیداتی که هزینه نیروی انسانی بالایی



Pamchal

دارند، مداخله کند. به همین دلیل، بسیاری از صنایع تولیدی سبک و متوسط به کشورهای دیگر، به ویژه چین، منتقل شدند.

نقش سیاست‌های بوش در پیشرفت چین:

انتقال صنایع سبک و متوسط به چین:

باهدف کاهش هزینه‌های تولید (به‌ویژه نیروی کار)، بسیاری از شرکت‌های آمریکایی صنایع تولیدی خود را به چین انتقال دادند و چین در آن زمان نیروی کار ارزان و زیرساخت‌های اولیه لازم برای جذب این صنایع را داشت و همین موضوع به رشد اقتصادی سریع این کشور کمک کرد. دولت بوش استراتژی تمرکز بر توسعه فناوری‌هایی مانند فناوری اطلاعات، بیوتکنولوژی و انرژی‌های نو را دنبال کرد و صنایع تولیدی سنتی را به کشورهای دیگر واگذار کرد و این تغییر جهت، فرصتی برای کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه چین، ایجاد کرد تا سهم بیشتری از بازار جهانی در حوزه تولیدات صنایع سبک و متوسط به دست آورند.

تقویت جایگاه چین در زنجیره تأمین جهانی:

با انتقال کارخانه‌ها و خطوط تولید به چین، این کشور به یکی از مراکز اصلی تولید کالاهای مصرفی جهان تبدیل شد و این امر باعث شد چین بتواند حجم صادرات خود را به‌سرعت افزایش دهد و در زنجیره تأمین جهانی نقشی کلیدی ایفا کند.

استفاده چین از فرصت‌ها:

در این دوران، دولت چین با اجرای سیاست‌های اقتصادی هوشمندانه مانند ایجاد مناطق ویژه اقتصادی (مانند شنژن)، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت زیرساخت‌های لجستیکی، توانست از این فرصت به‌خوبی استفاده کند و به‌سرعت توانست دانش فنی و مهارت‌های مدیریتی لازم را از شرکت‌های خارجی فراگیرد و در صنایع تولیدی سبک به خودکفایی برسد.

در نهایت، سیاست‌های اقتصادی آمریکا در دوران بوش، همراه با ورود چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، زمینه‌ساز آغاز پیشرفت سریع اقتصادی چین شد. چین با استفاده از این شرایط و بهره‌برداری از هزینه پایین نیروی کار، به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان جهان تبدیل شد و به تدریج جایگاه خود را به‌عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی دنیا تثبیت کرد.

۲. دوره افت صادرات (۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱):

- این افت با سیاست‌های محدودکننده اقتصادی آمریکا، به‌ویژه در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ (۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱)، هم‌زمان است. اعمال تعرفه‌های سنگین بر کالاهای وارداتی از چین، محدودیت‌های تجاری و جنگ تعرفه‌ای بین این دو اقتصاد از عوامل اصلی کاهش صادرات چین بوده است.
- پاندمی کووید-۱۹ نیز در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ باعث اختلال در زنجیره‌های تأمین جهانی شد و بر کاهش صادرات تأثیرگذار بود.

۳. بازگشت تدریجی پس از افت:

پس از سال ۲۰۲۱، بهبود نسبی در صادرات چین مشاهده می‌شود. این بهبود ممکن است ناشی از تلاش‌های چین برای گسترش بازارهای جدید (مانند آسیا و آفریقا)، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های جهانی (طرح «کمربند و جاده»)، و همچنین پایان دوران دونالد ترامپ و شروع مذاکرات جدید در دوره آقای بایدن باشد.

باتوجه به مطالب مطروحه فوق، هدف این مقاله بررسی و تحلیل تأثیرات سیاست‌های تجاری و اقتصادی آمریکا تحت رهبری دونالد ترامپ بر اقتصاد و تجارت چین در دوره جدید ریاست‌جمهوری وی است. این مقاله به طور خاص بر تغییرات در صادرات فولاد چین، راهبردهای اقتصادی چین برای مقابله با فشارهای تجاری آمریکا و تأثیرات این جنگ تجاری بر دیگر کشورها تمرکز خواهد کرد.

آغاز دوره جدید تعرفه‌ها:

در ۲۵ نوامبر سال جاری، ترامپ اعلام کرده است که قصد دارد تعرفه‌های جدیدی بر واردات کالا از کشورهای مختلف وضع کند. بر اساس این برنامه، او تعرفه‌هایی به میزان ۲۵٪ بر تمامی کالاهای وارداتی از مکزیک و کانادا اعمال خواهد کرد و همچنین ۱۰٪ تعرفه اضافی برای کالاهای وارداتی از چین در نظر گرفته است. دونالد ترامپ این اقدامات را بخشی از تلاش‌های خود برای مقابله با «جرایم و مواد مخدر» و کنترل مهاجرت غیرقانونی از این کشورها دانسته است؛ اما یکی دیگر از اهداف اصلی از افزایش تعرفه‌ها بر کالاهای وارداتی چین، افزایش قیمت کالاهای چینی است. این اقدام در چارچوب سیاست کلی ترامپ موسوم به «اول آمریکا» و باهدف حمایت از صنایع داخلی ایالات متحده انجام شد.

با افزایش تعرفه‌ها، قیمت کالاهای وارداتی از چین در آمریکا افزایش می‌یابد. این اقدام باعث می‌شود که کالاهای تولیدشده در آمریکا (که ممکن است به دلیل هزینه نیروی کار و تولید، قیمت بیشتری داشته باشند) رقابتی‌تر شوند و مصرف‌کنندگان بیشتر به سمت خرید محصولات داخلی سوق پیدا کنند.

وی معتقد است که بسیاری از صنایع تولیدی آمریکا به دلیل وابستگی به واردات ارزان قیمت از چین دچار رکود شده‌اند یا از بین رفته‌اند؛ بنابراین با افزایش تعرفه‌ها، او در تلاش است تا شرکت‌های آمریکایی را تشویق کند که خطوط تولید خود را به داخل آمریکا بازگردانند و در نتیجه، اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی داخلی تقویت شود.

چین و آمریکا در عصر جدید تعرفه‌ها: از محدودیت‌های تجاری تا تغییرات ارزی

۱. تأثیر بر اقتصاد آمریکا

سیاست‌های ترامپ، به‌ویژه تعرفه‌های جدید و محدودیت‌های تجاری منجر به افزایش هزینه‌های مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان شد. با افزایش تعرفه‌ها، کالاهای وارداتی از چین گران‌تر می‌شوند. این موضوع می‌تواند فشار اقتصادی بیشتری بر مصرف‌کنندگان آمریکایی وارد کند، به‌ویژه برای کالاهایی که به طور گسترده در زندگی روزمره استفاده می‌شوند (مانند الکترونیک و پوشاک). نتیجه آن کاهش قدرت خرید و احتمال کاهش مصرف کلی خواهد بود.

۲. تأثیر بر اقتصاد چین

- کاهش صادرات به آمریکا:

آمریکا یکی از بزرگ‌ترین بازارهای صادراتی چین است، و افزایش تعرفه‌ها می‌تواند تقاضا برای کالاهای چینی را کاهش دهد. این موضوع تأثیر منفی بر رشد اقتصادی چین خواهد داشت، به‌ویژه در بخش‌هایی که به شدت به صادرات وابسته‌اند.

- تضعیف یوان و سیاست‌های ارزی:

یکی از واکنش‌های احتمالی چین به تعرفه‌ها، کاهش ارزش یوان است که می‌تواند صادرات این کشور را رقابتی‌تر کند. اما این سیاست خطرناکی مانند خروج سرمایه و کاهش اعتماد به اقتصاد چین را به همراه دارد و با کاهش درآمدهای صادراتی، چین ممکن است مجبور به تسریع در اصلاحات اقتصادی شود و تمرکز بیشتری بر تقویت مصرف داخلی و خودکفایی فناوری داشته باشد و با توجه به اینکه چین یکی از بزرگ‌ترین طلبکاران خارجی دولت ایالات متحده است و مقادیر زیادی از اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا را در اختیار دارد (به طور مثال در سال ۲۰۲۳، چین حدود ۸۵۰ میلیارد دلار از این اوراق را نگهداری می‌کرد) این تعرفه‌ها می‌تواند باعث کاهش درآمدهای صادراتی و کاهش ذخایر ارزی چین نیز شود و در مقابل آمریکا برای کسری بودجه خود باید به منابع دیگر تکیه کند که می‌تواند هزینه استقراض را برای وی افزایش دهد.

۳. تأثیرات ژئوپلیتیکی

- تشدید جنگ تجاری و فناوری:

این تعرفه‌ها تنها بخشی از رقابت گسترده‌تر آمریکا و چین است که شامل حوزه‌هایی مانند فناوری (هوش مصنوعی، 5G) و امنیت ملی نیز می‌شود. هر دو کشور در تلاش‌اند تا موقعیت خود را در زنجیره‌های جهانی تولید تقویت کنند.

- آسیب به اقتصاد جهانی:

افزایش تعرفه‌ها و محدودیت‌های تجاری می‌تواند رشد اقتصاد جهانی را کاهش دهد، زیرا اختلال در زنجیره‌های تأمین به طور مستقیم بر کشورهای که در این زنجیره‌ها مشارکت دارند، تأثیر می‌گذارد.

در نتیجه، تعرفه‌های جدید در عصر رقابت اقتصادی و تجاری بین آمریکا و چین، تأثیرات دوگانه‌ای به همراه دارد. در حالی که آمریکا به دنبال تقویت تولید داخلی و کاهش وابستگی به چین است، اقتصاد چین با فشار بیشتری برای متنوع‌سازی بازارها و اصلاحات داخلی مواجه می‌شود. این تغییرات همچنین می‌تواند بر اقتصاد جهانی تأثیرات بلندمدتی داشته باشد.

واکنش هوشمندانه چین به جنگ تجاری ترامپ: از توسعه داخلی تا گسترش روابط جهانی

رویکرد کشور چین معمولاً بر اساس تحلیل‌های مختلف از سناریوهای سیاسی آمریکا تنظیم می‌شود و با توجه به استراتژی‌های بلندمدت خود، بازگشت دونالد ترامپ به ریاست‌جمهوری را پیش‌بینی کرده بود. بدین منظور، در دهه گذشته تلاش کرد تا وابستگی خود به صادرات به آمریکا را کاهش دهد و بازارهای جدیدی در آسیا، اروپا، و آفریقا توسعه دهد. این رویکرد، بخشی از چشم‌انداز "ابتکار کمربند و جاده" است که هدف آن تقویت روابط تجاری و اقتصادی فراتر از آمریکا است. این استراتژی به چین امکان می‌دهد در مواجهه با سیاست‌های تجاری سخت‌گیرانه مانند تعرفه‌های دوران ترامپ انعطاف‌پذیرتر عمل کند.

علاوه بر این، چین به افزایش تولید داخلی و توسعه فناوری‌های نوین پرداخت تا از فشارهای خارجی کاسته و استقلال اقتصادی خود را حفظ کند؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری سنگینی در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، نیمه‌رساناها، و انرژی‌های پاک انجام داده است تا بتواند وابستگی خود به فناوری‌های آمریکایی را کاهش دهد. همچنین، با استفاده از سیاست‌های مالی خود، همچنان به مدیریت نرخ ارز و تقویت رقابت‌پذیری صادرات ادامه داد. این کار باعث می‌شود کالاهای چینی در بازارهای جهانی ارزان‌تر شوند و رقابت‌پذیری خود را حفظ کند حتی در شرایطی که تعرفه‌های وارداتی بالا می‌رود.

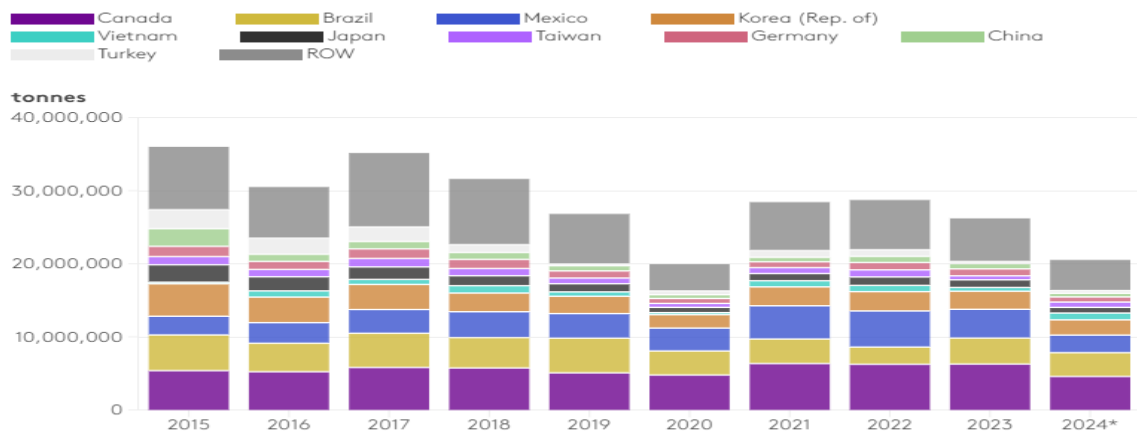
Pamchal

تأثیر سیاست‌های دونالد ترامپ بر صادرات فولاد چین:

اعمال تعرفه‌ها و محدودیت‌های تجاری باعث افزایش هزینه‌های صادرات فولاد چینی به ایالات متحده می‌شود. اما با این حال، چین با تقویت روابط تجاری با کشورهای دیگر و بهره‌برداری از کاهش ارزش یوان، همچنان می‌تواند به افزایش صادرات فولاد خود ادامه دهد. ترامپ در زمان کمپین انتخاباتی خود پیشنهاد اعمال تعرفه‌های سنگین، از جمله ۶۰٪ بر واردات چینی را داد. با این حال، سهم فولاد چینی در واردات فولاد آمریکا بسیار کم است، به طوری که تعرفه اضافی بر فولاد چینی تأثیر زیادی بر حجم کلی واردات فولاد نخواهد داشت.

نمودار زیر کل واردات فولاد آمریکا از سال ۲۰۱۵ لغایت ۲۰۲۴ را نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۴ سهم چین از واردات فولاد آمریکا تنها ۲/۵٪ است:

Total steel US imports (t)
2015-2024*



Source: GTT • *2024 includes Jan-Sep only

طبق نمودار بالا، اگرچه سهم چین از واردات فولاد ایالات متحده در تمام سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ نسبت به کشورهای دیگر بسیار ناچیز بوده است (حدود ۲-۳ درصد)، این موضوع نشان‌دهنده تأثیرات عمیق‌تری از سیاست‌های تجاری آمریکا بر بازار جهانی فولاد است:

Pamchal

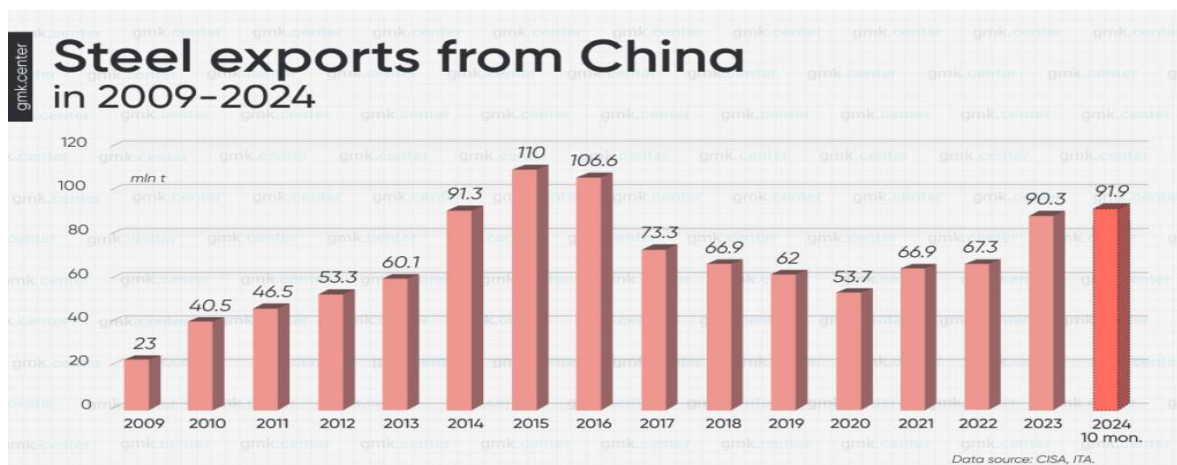
- چین همچنان بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده فولاد در جهان است و سیاست‌های آمریکا تغییر چندانی در این موقعیت ایجاد نکرده است. صادرات فولاد چین به سایر بازارها (آسیای جنوب شرقی، خاورمیانه و آفریقا) همچنان ادامه دارد و این کشور توانسته است کاهش تقاضا از سوی آمریکا را جبران کند.
- از ابتدا، آمریکا برای واردات فولاد به چین وابسته نبوده و کشورهای دیگری مانند کانادا، مکزیک، کره جنوبی، و برزیل تأمین‌کنندگان اصلی فولاد وارداتی آمریکا بوده‌اند. این امر نشان می‌دهد که تعرفه‌های ترامپ یا سیاست‌های دیگر علیه چین، بیشتر از جنبه نمادین و سیاسی اهمیت دارند تا اقتصادی.
- چین با تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی و تمرکز بر تولید فولاد با ارزش افزوده (مانند فولاد ضدزنگ و محصولات پیشرفته)، فشار ناشی از سیاست‌های آمریکا را به حداقل رسانده است. در عین حال، با کنترل نرخ ارز و حمایت‌های داخلی، به رقابت‌پذیری صادرات خود کمک کرده است.
- افزایش تعرفه‌ها بر واردات فولاد چین به آمریکا تأثیر عمده‌ای بر زنجیره تأمین جهانی نداشته است، اما رقابت در بازارهای دیگر را افزایش داده و قیمت جهانی فولاد را دچار نوسان کرده است.

در نتیجه:

در حالی که سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا توانسته صادرات فولاد چین به ایالات متحده را محدود کند، این کشور همچنان به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در بازار جهانی فولاد باقی‌مانده است. موقعیت چین در بازار جهانی بیشتر به دلیل تولید انبوه، هزینه‌های پایین‌تر تولید و شبکه گسترده صادراتی است تا سهم آن از بازار آمریکا.

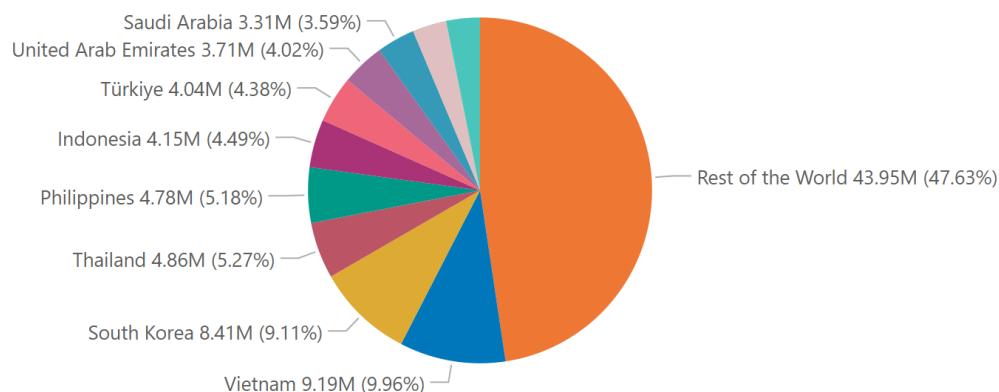
Pamchal

نمودار زیر بیانگر میزان صادرات فولاد چین از سال ۲۰۰۹ لغایت ۲۰۲۴ می باشد:



۱۰ کشور برتر واردکننده فولاد چین در سال ۲۰۲۳:

CHINA EXPORTS OF STEEL MILL PRODUCTS - 2023, TOP 10 SOURCES, METRIC TONS



چالش‌های ایران در برابر استراتژی‌های چین و سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ: از شرق آسیا تا بازارهای جهانی

سیاست‌های تعرفه‌ای جدید ترامپ و واکنش‌های چین، تأثیرات متعددی بر بازار ایران دارد که می‌توان آن را از چند زاویه بررسی کرد:

۱. تأثیر بر صادرات فولاد ایران:

چین با استفاده از استراتژی‌های تهاجمی، از فرصت‌های پیش‌آمده در بازارهای آسیایی نهایت بهره را می‌برد و بازارهای جایگزین همانند آسیای شرقی و جنوب شرقی را هدف قرار می‌دهد به طور مثال در ماه می ۲۰۲۴، چین با صادرات ۲۰۰,۰۰۰ تن بیلت به شرق آسیا توانست سهم بازار ایران را در این منطقه کاهش دهد. این امر نشان‌دهنده رقابت‌پذیری بالای چین در قیمت‌گذاری و ظرفیت تولید است که صادرات فولاد ایران را به چالش می‌کشد و جایگاه صادراتی ایران در این مناطق را تهدید می‌کند، به‌ویژه زمانی که ایران درگیر تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی است.

۲. محدودیت دسترسی ایران به بازارهای جهانی:

سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ، اگرچه به طور مستقیم بر ایران اعمال نمی‌شود، اما با تقویت نفوذ چین در بازارهای منطقه‌ای و جهانی، حاشیه سود و سهم بازارهای صادراتی ایران، به‌ویژه در زمینه فولاد و محصولات معدنی، کاهش می‌یابد. کاهش فرصت‌های صادراتی برای ایران ممکن است به افزایش رقابت داخلی در بازار فولاد ایران و کاهش قیمت‌ها منجر شود که در کوتاه‌مدت به ضرر تولیدکنندگان داخلی خواهد بود.

در نتیجه در شرایط فعلی، ایران به دلیل محدودیت‌های زیرساختی، تحریم‌ها و وابستگی به چند بازار خاص، با چالش‌های بزرگی در رقابت با چین مواجه است. سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا به طور غیرمستقیم باعث تقویت جایگاه چین در بازارهایی می‌شود که ایران نیز در آن‌ها فعال است.

برای مقابله با این وضعیت، ایران باید بر تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و پایداری در سیاست‌های اقتصادی داخلی خود تمرکز کند.

۱. تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی

ایران باید از وابستگی به بازارهای خاص، به‌ویژه در حوزه فولاد و محصولات معدنی، کاسته و به دنبال بازاریابی برای کشورهای دیگر، به‌ویژه در مناطق آسیای میانه، آفریقا و حتی کشورهای آسیای شرقی که چین در آن‌ها حضور بیشتری دارد، باشد. گسترش روابط تجاری با کشورهایی که از تحریم‌ها تأثیر کمتری می‌پذیرند، می‌تواند به افزایش صادرات کمک کند.

۲. جذب سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند با ورود به بازار ایران، منابع مالی، فناوری و تخصص‌های مدیریتی جدیدی را به کشور وارد کنند که به تقویت رقابت‌پذیری ایران در بازارهای جهانی کمک می‌کند. این موضوع به‌ویژه در صنایع تولیدی و معدنی اهمیت دارد که می‌تواند جایگاه ایران را در رقابت با چین و دیگر کشورهای صادرکننده تقویت کند. در این خصوص وزیر محترم اقتصاد ایران، جناب آقای دکتر همتی نیز اخیراً اشاره کرده‌اند که به‌رغم محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، ایران باید برنامه‌ریزی مضاعفی برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی داشته باشد. سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند در ایجاد زیرساخت‌های جدید، توسعه صنایع و فناوری، و کاهش هزینه‌های تولید مؤثر باشد.

۳. پایداری در سیاست‌های اقتصادی داخلی

ایران باید از سیاست‌های اقتصادی ثابت و پایداری استفاده کند که برای سرمایه‌گذاران خارجی جذاب باشد. ایجاد محیطی مناسب برای سرمایه‌گذاری و تسهیل فرایندهای قانونی و مالی، می‌تواند تأثیر مثبتی در جذب سرمایه‌گذاران داشته باشد.

نتیجه‌گیری

سیاست‌های تجاری دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۴، با تمرکز بر اعمال تعرفه‌های سنگین علیه چین، نه تنها به‌عنوان ابزاری برای محدود کردن اقتصاد چین در نظر گرفته شده، بلکه به تغییرات قابل توجهی در بازارهای جهانی منجر خواهد شد. در حالی که ایالات متحده با هدف حمایت از تولید داخلی و کاهش وابستگی به واردات چین این سیاست‌ها را اتخاذ کرد، چین توانست با استفاده از استراتژی‌های متنوع از جمله توسعه بازارهای جایگزین در آسیا، آفریقا و خاورمیانه، تا حد زیادی این فشارها را مدیریت کند.



Pamchal

در این میان، تأثیرات این سیاست‌ها بر ایران نیز قابل توجه است. رقابت چین در بازارهای سنتی ایران، مانند شرق آسیا، و افزایش صادرات محصولات چینی از جمله فولاد و بیلت، سهم ایران را در این بازارها کاهش داده است. در عین حال، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و عدم توانایی ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، موقعیت رقابتی ایران را تضعیف کرده است.

در نهایت، این تحولات یادآوری می‌کنند که در عصر جدید تجارت جهانی، کشورها باید از پویایی، انعطاف‌پذیری و استراتژی‌های پیشرفته برخوردار باشند تا در برابر فشارها و تغییرات جهانی دوام بیاورند. سیاست‌های ترامپ شاید چین را هدف گرفته باشد، اما پیامدهای آن نشان می‌دهد که کشورهایی مانند ایران نیز باید آماده باشند تا در این بازی جهانی، نقش مؤثری ایفا کنند.

امیر گفتاری

آذر ۱۴۰۳